

بیت‌ساختا

بدببیاری های

فردی تنگلزا

قهرمان افسانه‌ای

یا بزدل وامانده؟

هوپا
Hoopa

بد بیاری های

فردی تنگنر!

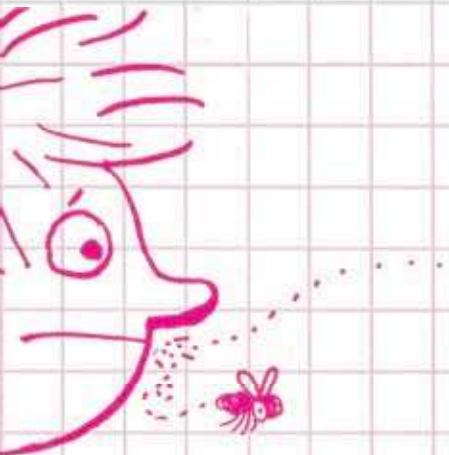
قهرمان افسانه‌ای

یا بزدل وامانده؟

جک برّند

تصویرگر: تام جلت

مترجم: اعظم مهدوی



FREDDY TANGLES: LEGEND OR LOSER

Copyright © Text, Jack Brand 2015

Copyright © Illustrations, Tom Jellett 2015

First published in the English language by Allen & Unwin Pty Ltd, Sydney, Australia 2015.

All rights reserved.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از انتشارات (Allen & Unwin) خریداری کرده است. انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

سرشناسه: بزند، جک

Brand, Jack

عنوان و نام پدیدآور: قهرمان افسانه‌ای یا بزدل وامانده؟ / نویسنده جک برند؛ تصویرگر تام جلت؛ مترجم اعظم مهدوی، ویراستار ناهید وثیقی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.؛ مضمون.

فروست: بدیاری‌های فردی تنگلز: ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۲۰-۶-۳-۱۸-۱۸-۳-۸۶۵۵-۶۰۰-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۲۰-۶-۳-۱۸-۱۸-۳-۸۶۵۵-۶۰۰-۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Legend or Loser، c۲۰۱۵.

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های ماجراجویانه انگلیسی

Adventure stories, English

موضوع: داستان‌های کودکان انگلیسی

Children's stories, English

موضوع: داستان‌های تخیلی

Fantastic Fiction

شناسه افزوده: جلت، تام، تصویرگر

Jellett, Tom

شناسه افزوده: مهدوی، اعظم، ۱۳۶۰ - مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۵ الفی ۴۸۱۵ ب ۴۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۳۸۷۰۴

بدیاری‌های
فردی تنگلز

قهرمان افسانه‌ای یا بزدل وامانده؟

نویسنده: جک بزند

تصویرگر: تام جلت

مترجم: اعظم مهدوی

ویراستار: ناهید وثیقی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: اعظم مهدوی، مریم عبیدی

ناظر چاپ: سبنا برازوان

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ دوم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۸-۳-۱۸-۳-۸۶۵۵-۶۰۰-۶۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۲۰-۶-۳-۱۸-۱۸-۳-۸۶۵۵-۶۰۰-۶۰۰

هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
سندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ ▲ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ ▲ info@hoopa.ir ▲ www.hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

تقدیم به
فرزندانم علی، تام و هری
که منبع الهام و خوشی بی‌پایان من هستند.
ج.ب

برای بُرنا

امروز دوباره **گند** زدم به سروصورتم!

بابا بهش می گوید: «کثافت کاری ترو تمیز!»

– بچه یه نگاه به خودت بنداز! اوضاع خیلی **پی ریخته!**

راست می گوید! اگر قیافه ام را می دیدی، می فهمیدی به چه روزی افتاده ام...

اووم... صبر کن ببینم! داری می بینی که...



خوشبختانه بیشتر مردم فقط فردی یا فردی تنگ‌ز صدایم می‌کنند. این‌طوری خیلی خجالت‌آور نیست. مگر اینکه همچین چیزهایی به تهش اضافه کنند:



«فردی! باز که زیبت بازه!»

یا

«آهای فردی تنگ‌ز!»

باز که انگشتت توی دماغته!»

یا

«فردی دلت می‌خواد با عروسک‌های من بازی کنی؟»

این آخری را خواهر کوچکم، جسیکا، می‌گوید. من و جسیکا اتاقمان مشترک است. من عین خیالم هم نیست که با جسی و عروسک‌هایش بازی کنم... فقط کاش جلوی دوست‌هایم این سؤال را نمی‌پرسید. خیلی آبروریزی است. در ضمن جسی فوق‌العاده خطرناک هم هست. اگر یک‌وقت دیدید که می‌گوید من پشتم یک قلمبه دارم، سؤال نکنید، فقط فرار کنید. چون ممکن است آن طرف‌ها یک بمب اتمی بوگندو منفجر شود.



خیلی ضایع است که بعد از گندکاری نیشم همین‌طور باز می‌ماند. اما مگر مامان چاره‌ی دیگری برای آدم می‌گذارد؟ کیفم را تا خرخره پر می‌کند از غذا. تازه فقط غذا



که نیست. نوشیدنی عزیزم، لیموناد، هم هست. بعد هم این بلا سر صورت‌م می‌آید و همه‌ی بچه‌ها دور می‌زم جمع می‌شوند، هورا می‌کشند و بهم می‌خندند.

- هی فردی یه کم دیگه لیموناد می‌خوای؟

- به اندازه‌ی کافی خوردم. دمت گرم کوپرا!

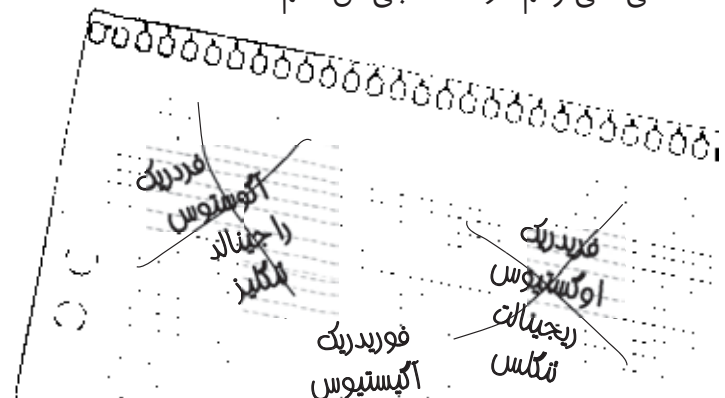
زخم‌وزیلی دست‌هایش را تا آرنج می‌کند توی کاسه و می‌گوید: «من می‌خوام اون‌قدر آب‌نبات بخورم که مریض بشم.»

عجب روز پرماجرای معرکه‌ای! اما قبل از تعریف کردن ماجرای این روز معرکه باید خودم را معرفی کنم.

اسم من فردریک آگوستوس رچینالد تنگ‌ز است.

از آن اسم‌های طولانی و البته یک کوچولو هم خجالت‌آور!

بیشتر وقت‌ها حتی نمی‌توانم درست هجی‌اش کنم!



بعضی وقت‌ها هم با هم بازی جفتک‌اندازی
راه می‌اندازند.



من یک سگ پیر و گنداخلاق هم دارم به اسم مینس. هرچند
بعضی وقت‌ها یادش می‌رود که پیر است و شبیه توله‌سگ‌ها پیرپیر می‌کند.
این را هم باید اضافه کنم که بابا خیلی مینس را دوست دارد.



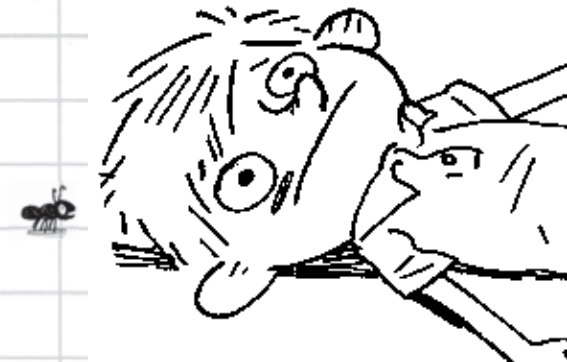
و بالاخره بهترین دوستم:
بلاکر!





بد پیاری های فردی تنگنیز
تمومی نداره!

بدترین کابوس هایی که توی زندگی تون دیدین چی ها بودن؟ ... آه! آره! حق با شماست! آخه این چه سؤالیه وقتی حتی یاد آوریش هم مو رو به تن آدم راست می کنه؟! می خواستم این رو بگم: باید خیلی بدشانس باشی که تو یه روز مهم، درست وسط یه کار مهم و جلوی چشم آدم های مهم، این کابوس ها، همه شون با هم، اون هم تو دنیای واقعی بیان سراغت! خب فردی دقیقاً همین قدر بدشانسه! اصل ماجرا اینه که باید تو سواری گرفتن از یه گاو مکانیکی با یه گاوچرون بالفطره رقابت کنه! اما چطوری ممکنه؟! جلد دوم رو که بخونین همه چی دستگیر تون می شه...



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر